به نفع جامعه است، حتی اگر رایگان توزیع شود

بهکیش، مهدی

توزیع سهام دولتی مسیر خصوصی‏سازی سالم را هموار می‏کند به نفع جامعه است، حتی اگر رایگان توزیع شود

مهدی بهکیش

زمانی که اتاق بازرگانی ایران به این نتیجه رسید که باید طرحی در زمینه واگذاری سهام دولت له عموم مردم‏ تهیه شود،تحلیلش آن بود که خصوصی‏سازی،با روشی‏ که در ایران آغازشده،نتیجه‏بخش نخواهد بود. رخدادهای چند سال اخیر نیز درستی پیش‏بینی صورت‏ گرفته در ده سال قبل را تأیید کرد.در پنج سال گذشته‏ حجم تصدی‏گری دولت دو برابر شده و حدود 200 هزار میلیارد ریال در سال،در نسل اول شرکت‏های‏ دولتی،سرمایه‏گذاری صورت گرفته است.در حالی‏که‏ میزان فروش،یک‏صدم این مقدار بوده است.در بودجه، مبلغ 20 هزار میلیارد ریال پیش‏بینی شد،اما این رقم،در عمل،در سال 1380 به حدود 2 میلیارد ریال و در سال 1381 به 1600 میلیارد ریال محدود ماند.این امر نشانه آن است که دولت با سرعتی فزاینده در حال بزرگ‏ شدن است.علت هم روشن است،زیرا واحدهای‏ دولتی،به دلیل برخورداری از معافیت مالیاتی،تمام‏ ارزش افزوده خود را سرمایه‏گذاری می‏کنند،در مقابل‏ از پرداخت دو چیز امتناع می‏ورزند:سود سهام و مالیات‏ .به همین دلیل ارقام حاصل از محل درآمد شرکت‏های‏ دولتی در بودجه بسیار ناچیز است.

مالیات پرداختی شرکت‏های دولتی در سال گذشته‏ 2 هزار میلیارد ریال بود.این رقم‏ در مقابل حجم سرمایه این‏ شرکت‏ها پشیزی بیش نیست.از سوی دیگر این شرکت‏ها ضمن‏ بزرگ شدن،انحصاری‏تر شده‏اند و مدیران‏شان نیز قدرت‏ مندتر گردیده‏اند.

به همین دلیل هست که به اعتقاد من حتی اگر سهام این شرکت‏ها مجانی در میان مردم‏ توزیع شود باز به نفع جامعه است،زیرا دولت دست‏کم‏ می‏تواند در ازای این واگذاری مالیات دریافت کند و بر درآمد خود بیفزاید.ضمن اینکه این کار سبب افزایش‏ کارآیی نیز می‏شود.

اتاق،این شرایط را پیش‏بینی و به عنوان تنها راه‏حل‏ برای شکستن حلقه بزرگتر شدن دولت،توصیه کرد. به هر روی در اجرای طرح باید به سه موضوع مهم‏ توجه کرد: اول،هدف نخستین طرح توزیع درآمد نبود،بلکه انگیزه‏ اصلی،خصوصی‏سازی برای افزایش کارایی بود.در واقع به هیچ‏وجه موضوع ابعاد سیاسی نداشت و کار از وجوه مختلف اقتصادی سنجیده شد و صرفا جنبه‏های‏ اجرایی آن مطرح بود.در حالی‏که اکنون کار کاملا ابعاد سیاسی پیدا کرده است.من نیز اعتقاد دارم که کار باید به‏ صورت یک بسته کامل اقتصادی دیده شود که هدف‏های‏ اصلی آن خصوصی‏سازی و افزایش کارآمدی باشد.بر پایه این دو هدف است که من در ساختار کلی طرح را کاملا تایید می‏کنم و حتی واگذاری رایگان سهام را بهتر از وضعیت گذشته ارزیابی می‏کنم.

در عین حال وقتی یکی از هدف‏ها افزایش کارایی‏ شرکت‏های دولتی است،بنابراین باید فضای مناسب‏ آن را نیز تأمین کرد.در این میان فاینانس نقش مهمی‏ دارد.باید دیدمان را نسبت به فاینانس تغییر دهیم.همچنان‏ که می‏دانیم دلیل تأسیس سازمان گسترش آن بود که در زمینه‏هایی که بخش خصوصی نمی‏خواهد یا نمی‏تواند سرمایه‏گذاری کند،فعالیت کند و سپس هنگامی که‏ واحدهای سودده شدند آن‏ها را به مردم منتقل کند.این‏ هدف در عمل فراموش شد.اکنون دو سال است‏ که بار دیگر وظیفه اصلی سازمان گسترش مورد توجه‏ قرار گرفته است.بر همین اساس است که معتقدم که‏ نباید کار را با شعارهای سیاسی درآمیخت،بلکه موضوع‏ را باید در قلمرو اقتصاد اداره کرد.

موضوع مهم دیگر،ضرورت بهره‏گیری از مدیریت‏ خارجی در این فرایند است.مدیریت ما یک مدیریت فشل‏ است و دلیل این امر نه مدیران،بلکه ساختارهای سازمانی‏ حاکم بر مدیران است.در عین حال باید توجه داشت که‏ میزان واگذاری به بخش خصوصی قطعا باید بیش از 50 درصد باشد،درغیر این صورت نقض غرض است.

و نکته آخر،این حرف درستی است که ممکن است‏ توزیع سهام بهینه نباشد،یعنی برخی کسانی که صاحب‏ سهم می‏شوند،در عمل توانایی بهره‏مندی از آن را نداشته باشند و در مقابل کسانی که امکان استفاده از سهام را دارند،نتوانند بیش از سهم برابر پیش‏بینی شده‏ خریداری کنند.اما به هر روی وقتی این سهام در بین‏ مردم توزیع شد،سازوکار قیمت بازار بر آن‏ها جاری‏ می‏شود.بنابراین پس از مدتی کسانی که می‏توانند از این سهام بهره بگیرند،آن‏ها را از بازار خریداری‏ خواهند کرد و به این ترتیب مسیر خصوصی‏سازی‏ سالم هموار می‏شود.

نقش بورس در این میان چیست؟

بورس ابزاری بسیار قوی برای مدیریت توزیع مالکیت است.البته نباید از یاد برد که رساندن واحدهای تولیدی به بورس و قابل ارائه کردن سهام آن‏ها در بازار نیازمند یک فرایند طولانی است.بر این دوران گذر باید سه اصل بلامنازع‏ حاکم باشد:شفافیت،کاربست معیارهای بازار،و مدیریت بهینه.از یاد نبریم‏ که نمی‏توان و نباید مجموعه‏ای گنگ و بسته را به مردم فروخت.